

رویارویی اسلام سیاسی و جنبش زنان در ایران

پارسا نیک جو

یورش اسلام سیاسی به زنان

سی و یک سال پیش، دو هفته پس از سرنگونی سلطنت پهلوی، خمینی طی فرمانی خواهان شرعی کردن قانون حمایت خانواده شد و ده روز پس از آن نیز درست شب پیش از هشت مارس فرمان حجاب اجباری را صادر کرد. و چنین بود که در روز هشت مارس گاو گند چاله دهانانه حزب الهی با شعارهای: یا روسری یا تو سری و مرگ بر عروسک های غربی به صف زنان آزادی خواه و برابری طلب حمله ور شدند؛ زنانی که یک صدا فریاد می زدند: ما انقلاب نکردیم که به عقب برگردیم. در حقیقت این زنان با شعار خود در آن بحبوحه ی مستی بسیاری از نخبه گان و توده ی مردم، سویه ی وا پس گرایانه ی اسلام سیاسی را فریاد زدند. زنان که در پروسه ی انقلاب آزاده گی و سرافرازی را تجربه کرده بودند، برای دفاع و تعمیق آزاده گی و سرافرازی به خیابان آمدند.

حاکمان اسلامی از همان نخستین روزهای پایه ریزی حاکمیت ارتجاعی خود کوشیدند زنان را به طور قانونی به برده ی گوش به فرمان نظام و جامعه ی مردسالار تبدیل کنند. در راستای تحقق این خواست بود که حاکمان اسلامی تا آن جا که توانستند هنجار ها و ارزش های منحل شرعی و عرفی مناسبات و فرهنگ پدر- مرد سالار را به قانون تبدیل کردند، تا بدین وسیله بتوانند زنان خاطی را با اتکا به این قوانین تبعیض آمیز و ضد زن به راحتی اسیر، سرکوب و تحت پی گرد قانونی قرار دهند. با تحمیل حجاب اسلامی نیز کوشیدند زنان را از پیکر و اندام خود شرمسار کنند. خمینی در سال شست اعلام کرد: یکی از بزرگ ترین دست آورد های انقلاب اسلامی بازگشت حجاب بوده است. اگر انقلاب اسلامی هیچ دست آوردی هم بجز حجاب زنان نداشت، همین خودش برای انقلاب کافی بود. حجاب اسلامی، نماد مبتذل و توهین آمیز نوعی فرهنگ پوشش و پوشش فرهنگی است. فرهنگی که زن در آن یار گرما به و گلستان شیطان است. فرهنگی که زن در آن مایه تباهی اخلاق جامعه و جامعه ی اخلاقی است. فرهنگی که در آن زن به گفته ی حاج ملا هادی سبزواری فیلسوف اسلامی، حیوانی است با صورتی انسانی؛ به گفته ی بی پرده و عریان وی: خداوند صورت انسان به این حیوانات (زنان) پوشانده است تا مردان از مصاحبت با آنان متنفر نشوند و در نکاح با آنان رغبت بورزند. حجاب اسلامی، نماد تثبیت و تحمیل و

تزریق آموزه های چنین فرهنگی است. حجاب، نماد فرهنگ شرم ساری از جلوه های تن و تمنا های جنسی زن است؛ حجاب، نماد اسارت و متعلقه ی ابوی و اخوی بودن زن است. و سرانجام آن که حاکمان اسلامی کوشیدند با سازمان دهی دولتی و رسمی آپارتاید جنسی، عرصه های عمومی زندگی اجتماعی را زنانه - مردانه گردانند و با این جدا سازی های توهین آمیز و تبعیض آمیز زنان را به شیوه ای نهادینه و سازمان یافته به ساکنان درجه دوم (حکومت شونده گان در ایران اعم از زن و مرد، دارای حقوق شهروندی نیستند تا بتوان آنان را شهروند درجه یک و دو محسوب کرد؛ بل آنان ساکنان ایران اند) دارالحکومه ی اسلامی تبدیل کنند.

رویارویی زنان و اسلام سیاسی

سی و یک سال پیش زنان آگاه در ایران با شرکت در راه پیمایی روز زن، توانستند نخستین سنگر مقاومت را در برابر یورش اسلام سیاسی ایجاد کنند. زنان آگاه و پیش رو با فریاد های هشدار دهنده و طرح خواست های دموکراتیک خویش نخستین جبهه ی پیکار دموکراتیک را در برابر اسلام سیاسی گشودند. آنان هم چنین در راستای نقد قوانین شرعی و الهی تحمیل شده بر جامعه به نقد الیهات اسارت بار و ضد زن پرداختند. زنان با نقد و نفی ارزش ها و هنجارهای منحنی پدر-مردسالار، نا قوس مرگ دوره ی تاریخ مذكر جامعه ی ایران را به صدا درآوردند. و این سرآغاز با شکوه و درخشان رویارویی زنان در برابر اسلام سیاسی بود.

اسلام گرایان سیاسی برای استقرار و تداوم قدرت اسارت بار خویش بر زنان، تمام ظرفیت های آشکار و نهان، فعال و نهفته در فرهنگ دینی را بسیج کردند؛ زنان نیز برای در هم شکستن زنجیرهای اسارت بار خویش تمام این ظرفیت های آشکار و نهان، فعال و نهفته را نقد و افشا و رسوا کردند. زنان توانستند حتی در اقدامات تدافعی خود با گشودن طره ی زلف مُشکین و خود آرای و جلوه گری پیکر خود، حجاب اسلامی را از دیده ها پنهان کنند. زنان به رغم حضور سلاخان وزارت ارشاد آشکارا به بیان پاره هایی از تمنا های وجودی خویش پرداختند و در حفره های ادبیات زیر زمینی، نغمه ها و آوا های زنانه را فریاد زدند. زنان، با طرح و بسط گفتمان های زنانه، علیه تصورات و کلیشه های زن ستیز، شوریده و ذهن و زبان زنانه را وارد فضای گفتمانی جامعه کردند. زنان، با عصیان علیه تابوهای جنسی، تن و تمناهای جنسی را از زندان فرهنگ - تابو پرور رها کرده و شور عاشقانه را در فرهنگ زنده گی جاری کردند. زنان گوش تمامی کوچه - پس- کوچه ها و کوه و کوه پایه ها و پارک و خیابان ها را سرشار از زمزمه های عاشقانه کردند. زنان با ایجاد محافل و شبکه های ارتقا

آگاهی و حضور فعال در عرصه ی پیکار های دموکراتیک و طبقاتی توانستند سیمای تاریخ ساز خود را در جنبش زنان آشکارا فریاد بزنند. جنبش زنان، پنهان ترین و درونی ترین لایه های فرهنگ و روابط استبدادی را در زیست سپهر فردی - اجتماعی و خودآگاه و ناخودآگاه فردی- جمعی جامعه ی ایران، آشکار و برجسته ساخته و بخش قابل توجهی از جامعه را علیه آن روابط و فرهنگ برانگیخته است. جنبش زنان، با نقد و نفی باورهای زن ستیز مذهبی و جزم های دینی به رشد و بسط گفتمان های لائیک و خرد باور، یاری رسانده و افق و دریچه ی روشنی، فرا راه جامعه گشوده است. زنان توانسته اند کانون و عرصه ی خانواده ی پدر- مردسالار را که از سخت جان ترین نهادهای زن ستیز جامعه است، سخت سست بنیاد کنند. و با نقد و نفی این کانون استبدادی و استبداد پرور، زمینه ساز رشد خانوادگی دموکراتیک و مشارکتی شوند. بر این پایه می توان امید داشت که بخشی از نسل آینده، فرایند جامعه پذیری را در محیطی دموکراتیک و دور از الگوهای جنسیتی پدر- مردسالار تجربه کنند.

اکنون پس از گذشت سی و یک سال از رویارویی اسلام گرایان سیاسی و زنان، به روشنی و صراحت می توان گفت، اسلام گرایان سیاسی امروزه دیگر در ایران نمی توانند با اتکا به باورها، ارزش ها و هنجار های اسلامی برای آموزه های زن ستیزانه ی خود ذره ای مشروعیت دست و پا کنند. حال آن که در جامعه ی ما حمایت فعال و هم دلانه از خواست های دموکراتیک و رهایی بخش زنان، اکنون به معیاری اساسی در وفا داری و پای بندی به حقوق انسانی و آزادی های دموکراتیک تبدیل شده است.

parsanikjoo@gmail.com

/http://agahbash.blogfa.com

جایزه بهترین فیلم خبری به فیلم مرگ ندا آقا سلطان تعلق

گرفت



چهارشنبه ۲۸ بهمن ۱۳۸۸ - ۱۷ فوریه ۲۰۱۰

فیلم کوتاه و تکان دهنده ای که فردی ناشناس از مرگ ندا آقا سلطان توسط نیروهای مزدور رژیم جمهوری اسلامی تهیه کرده بود برنده بهترین جایزه فیلم‌های خبری سال ۲۰۰۹ میلادی شده است. این اولین باری است که جایزه‌ای با اعتبار جهانی به فردی ناشناس تعلق می‌گیرد.

جان دارنتون سرپرست هیات اعطاکننده جایزه در بیانیه‌ای که به مناسبت دادن این جایزه به فیلم ندا منتشر کرده گفته است که این فیلم به «تصویری نمادین از مقاومت مردم ایران» تبدیل شد. او هم چنین به امکاناتی که اینترنت در اختیار مردم قرار داده اشاره می‌کند که چگونه یک رهگذر عادی می‌تواند با استفاده از آن خبررسانی کند.

این فیلم تاثیر زیادی بر روی بینندگان گذاشت و همگان متوجه شدند که رفتار مقامات جمهوری اسلامی نسبت به مردم این کشور چگونه است، حتی رئیس جمهوری آمریکا نیز نسبت به این فیلم واکنش نشان داد و آنرا بسیار دردناک توصیف کرد.

با وجود اینکه جمهوری اسلامی آرش حجازی پزشکی که در لحظه تیر خوردن سعی داشت ندا آقا سلطان را نجات دهد قاتل وی معرفی کردند اما این فیلم کوتاه همه حقایق را نشان می‌دهد.

به گفته جان دارنتون، سرپرست هیات اعطا کننده جایزه جورج پولک، انتشار این فیلم خشم و انزجار جهانیان را نسبت حکومتی برانگیخت که شهروندان خود را این‌گونه سرکوب می‌کند.

جوایز روزنامه‌نگاری جورج پولک از سوی دانشگاه لانگ آیلند اهدا می‌شود. جورج پولک گزارشگر شبکه سی بی اس آمریکا بود که در سال ۱۹۴۹ هنگام تهیه یک گزارش از جنگ داخلی در یونان کشته شد. از آن پس سالانه جوایزی به نام این خبرنگار به بهترین کارها در رشته‌های مختلف روزنامه نگاری اهدا می‌شود.

نگذاریم لایحه ضد خانواده در مجلس به تصویب برسد

چهارشنبه ۲۸ بهمن ۱۳۸۸ - ۱۷ فوریه ۲۰۱۰

اعتراض ۱۲۰۰ مدافع حقوق برابر به لایحه حمایت از خانواده

متن بیانیه:

هم میهنان عزیز؛ زنان و مردان برابری خواه و عدالت جو
کمیسیون حقوقی و قضایی مجلس شورای اسلامی، در اقدامی عجولانه و
نابخردانه مواد ۲۳ و ۲۵ لایحه به اصطلاح «حمایت از خانواده» را با
اعمال تغییراتی بی فایده و غیر موثر برای حمایت از نهاد خانواده،
به تصویب رساند. این لایحه، نه تنها از قانون ۳۵ سال پیش یعنی
قانون مصوب سال ۱۳۵۳ بسیار عقب تر است، بلکه قصد دارد چندهمسری
مردان را قانونی کند. براساس لایحه جدید، اگر زنی مبتلا به
بیماریهای صعب العلاج شود، یا شش ماه از خانه غیبت کند، یا حتا
اگر به طور نمونه به دلیل صدور چک بلامحل زندانی شود، شوهرش می
تواند همسر تازه ای اختیار کند. در حالی که در شرایط عکس آن، زن
حتی حق طلاق هم ندارد.

این اقدام در حالی صورت گرفته است که ارائه این لایحه توسط دولت
وقت به مجلس، در تیرماه ۱۳۸۶، اعتراض گسترده مدافعان حقوق زنان و
همچنین دیگر مدافعان مدنی حقوق برابر و سلامت خانواده را به همراه
داشت.

محور اعتراضات این لایحه دو ماده ۲۳ و ۲۵ بود که اولی، به مردان
امکان می داد که بدون اطلاع و اجازه همسر خود، همسران دیگری
اختیار کنند و دومی، نیز در ابتدا برای مهریه زن، مالیات تعیین
کرده بود و اخیرا با حذف مالیات بر مهریه □، آنرا به متعارف و
غیر متعارف تقسیم نموده است و بدون تعیین ملاکی برای این امر، عملا
امکان استفاده از تنها ابزار قانونی زنان برای طلاق را محدود کرده
است. در واکنش به کلیات این لایحه ضد زن، کنشگران جنبش زنان و
مدافعان حقوق برابر، اعتراضات گسترده ای را سامان دادند. آنها با
توزیع بروشورها، نوشتن مقالات و انتشار بیانیه ها، اطلاع رسانی
وسعی را تدارک دیدند. نتیجه این اعتراضات تشکیل «ائتلاف بزرگ نه
به لایحه ضد خانواده» در سال ۸۷ بود که با مشارکت طیف گسترده ای

از کنشگران جنبش زنان تشکیل شد. فعالان این ائتلاف، توانستند از راه های مختلف، همچون جمع آوری امضاء، ارسال پیامک و کارت پستال های اعتراضی «نه به لایحه»، حضور در دفاتر نمایندگان، و همچنین حضور اعتراضی در مجلس شورای اسلامی، صدای اعتراض زنان را به گوش نمایندگان مجلس برسانند. سرانجام، موج این اعتراضات گسترده، منجر به حذف مواد ۲۳ و ۲۵ شد.

در فضای ایجاد شده پس از انتخابات دهم ریاست جمهوری، مجدداً گروهی از نمایندگان مجلس در اقدامی فرصت طلبانه و زن ستیزانه با حمایت حامیان خود و در شرایطی که کوچکترین اعتراض توسط دانشجویان، معلمان، کارگران و روزنامه نگاران منتقد نسبت به نقض حقوق شهروندان با ارباب، دستگیری و محاکمات غیرعادلانه همراه بود، تصمیم به تصویب لایحه به اصطلاح حمایت از خانواده را گرفتند تا بار دیگر بر پیمان خویش در جهت تصویب قوانین تبعیض آمیز بر علیه زنان تداوم بخشند.

هم میهنان عزیز

اقتدارگرایان مردسالار می خواهند در حاشیه بحران سیاسی موجود، بی سر و صدا و فرصت طلبانه میخ قوانین تبعیض آمیز علیه زنان را بر تن برابری خواهان و حامیان عدالت این سرزمین محکم تر بکوبند. پیش از این نیز در مقاطع حساس سیاسی، بارها مطالبات زنان در سایه سنگین منازعات کلان سیاسی به حاشیه رانده شده است. در سال های نخستین پس از انقلاب سال ۱۳۵۷ نیز، خواسته های بر حق زنان به بهانه منازعات سیاسی به عقب رانده شد؛ قانون حمایت از خانواده ملغا شد، حق انتخاب نوع پوشش از زنان سلب شد، زنان از قضاوت و ریاست جمهوری محروم شدند، مجازات سنگسار در قانون مجازات اسلامی گنجانده شد، و مجوز قتل ناموسی در قالب قاعده فراش به مردان داده شد. با این احوال، جنگ و بحران سیاسی بهانه ای شد تا زنان این سرزمین مهر سکوت بر لب زنند و به خانه ها رانده شوند. درحالی که علیرغم تمامی این اقدامات و تصمیم به خانه نشین کردن زنان، دختران و زنان آگاه توانستند "هویت" خود را با "حضور"شان در دانشگاهها و مراکز آموزش عالی و در جامعه به اثبات رسانند.

اینک، تلاش مجدد قانونگذاران، برای بازگرداندن غیر قانونی مواد حذف شده ۲۳ و ۲۵ که مربوط به تعدد زوجات و تعیین مالیات بر مهریه و تقسیم آن به متعارف و غیرمتعارف است؛ حکایت از لجajt آنها در برابر خواسته های بر حق زنان این سرزمین دارد. محدود کردن زنان در استفاده از مهریه که تنها راهکار موجود برای جبران نابرابری های حقوقی آنهاست و برقراری شروط مبهم دهگانه برای ازدواج مجدد

مردان، که زمینه وسیع سوء استفاده آنان را فراهم می کند، در شرایطی که زنان حتی از حق طلاق در صورت ازدواج مجدد مردان برخوردار نیستند، چیزی جز نادیده انگاری مطالبات زنان و برخورد تلافی جویانه با حضور عدالت خواهانه آنها نیست. گویا زنان که در جنبش سبز، به دلیل وجود فشارهای چنگانه در زندگی فردی، اجتماعی، و سیاسی بار دیگر به گونه ای آشکارتر، به عنوان کنشگر مستقل سیاسی وارد میدان شده اند و خوی حق طلبانه و به دور از خشونت به مبارزات مردمی برخشیده اند، مستحق تنبیهی جانانه اند. غافل از آنکه، این کنشگران دیگر حاضر به پذیرش نابرابری قدرت، چه در حوزه عمومی و چه در حوزه خصوصی، نیستند. از افرادی که به نام نمایند^۱ ملت بر کرسی نمایندگی مجلس تکیه زده اند و تاکنون نیز اقدام مؤثری برای جلوگیری از تصویب لایح^۲ ضد خانواده انجام نداده اند، می خواهیم اجازه ندهند با تصویب این قانون ننگ نابرابری قانونی دیگری به نام آنها رقم خورد.

ما، "جمعی از فعالان حقوق زنان و مدافعان حقوق برابر" با امضای این بیانیه، اعتراض خود را به تصویب لایحه "تخریب خانواده" به ویژه مواد ۲۳ و ۲۵ آن اعلام می داریم و خواهان به رسمیت شناختن حقوق انسانی زنان از طریق به تصویب رساندن قوانین برابر جنسیتی در مجلس هستیم. همچنین از همه زنان و مردان عدالت طلب ایرانی نیز می خواهیم تا با امضای این بیانیه، مخالفت خود را نسبت به این تبعیض آشکار بیان کرده و مانع از نهادینه شدن ستم دیگری بر زنان شوند.

برای امضای بیانیه به آدرس زیر مراجعه کنید:

<https://spreadsheets.google.com/viewform?formkey=dFFNWXhoZUZwMmYyS3dyLV9fTnFqekE6MA&ifq>

فراخوان برای آزادی و برابری جنسیتی در ایران



برای پایان دادن به خشونت و سرکوب در ایران، آزادی فوری بازداشت

شدگان از همه مدافعان حقوق زنان، سازمان ها و شبکه های دفاع از حقوق زن و فمینیست های جهان دعوت می کنیم در همبستگی با مبارزات حق طلبانه زنان در سراسر دنیا در حمایت از جنبش زنان و جنبش حقوق مدنی در ایران وارد عمل شوند و در ماه مارس 2010 در سراسر جهان اقدامات حمایتی و اعتراضی را تحت شعار " آزادی و برابری جنسیتی در ایران" سازمان دهند.

جنبش زنان ایران در سی سال گذشته از پیشگامان و پیشقراولان مبارزه برای آزادی و برابری در ایران بوده است. تبعیضات جنسیتی با دیگر تبعیضات قومیتی، مذهبی، سیاسی، اقتصادی، طبقاتی ارتباطی تنگاتنگ دارد. از این رو، مقاومت غیرخشونت آمیز زنان و مردان مدافع برابری جنسیتی - در حوزه های حقوقی، فرهنگی، اقتصادی و... - تاثیر شایانی در رشد و گسترش جنبش دموکراسی خواهی داشته است. زنان ایران سال هاست که به شیوه های گوناگون فردی و جمعی و با برپائی کمپین های گوناگون برای تغییر قوانین نابرابر و ترویج خواست برابری در راه آزادی گام برداشته اند و در این روند تهدید، توهین، بازداشت و زندان را به جان خریده اند و هم اکنون نیز بسیاری از آنان در بند هستند.

پس از گذشت 8 ماه از برگزاری دهمین دوره انتخابات ریاست جمهوری ایران و آغاز جنبش مردمی، گسترش روزافزون مبارزه دموکراسی خواهی مردم ایران با سرکوب بیشتر و خشن تری مواجه شده است. اعمال خشونت های روانی و فیزیکی، بازداشت، شکنجه، تجاوز و صدور و اجرای حکم های سنگین از زندان تا اعدام دایره خشونت علیه فعالان مدنی و سیاسی ایران را افزایش داده است. در حال حاضر دهها نفر زن اعم از فعالان جنبش زنان، جنبش سبز، جنبش دانشجویی، جنبش کارگری و فعالان مدنی و سیاسی بازداشت شده و یا حکم های سنگین دریافت کرده اند و هر روز نام های تازه ای لیست محکومان مدنی و سیاسی را طولانی تر می کند. در این شرایط، همراه با گسترش دستگیری زنان فعال در جنبش سراسری و بویژه فعالان حوزه زنان، طرح تصویب لایحه های قانونی مروج تبعیض جنسیتی همچون لایحه حمایت خانواده سرعت گرفته است. به این ترتیب، در سی امین سال تصویب کنوانسیون رفع کلیه اشکال تبعیض علیه زنان (CEDAW) (که ایران امضا نکرده است)، ما سی امین سال تبعیض علیه زنان را در ایران طی می کنیم. سال هایی که تحت لوای شرع و قانون بر زنان تبعیض روا داشته می شود. در آستانه اجلاس پکن به علاوه 15 (مارس 2010)، یعنی 15 سال پس از برگزاری چهارمین

کنفرانس جهانی زنان که نتیجه آن تهیه برنامه عمل برای دولت ها بود، دولت ایران به هیچیک از تعهدات خود برای رفع تبعیض از زنان عمل نکرده است.

در این شرایط حساس، گسترش همبستگی جهانی همه زنان آزادی خواه و برابری طلب جهان با خواهران ایرانیان و دیگر مدافعان حقوق برابر(اعم از زن و مرد) ، در گرو حمایت گسترده از جنبش دموکراسی خواهی مردم ایران است. جنبش های حقوق مدنی در ایران سال هاست با مردم خود و مردم جهان سخن می گویند و اکنون در سراسر جهان خود رسانه خویش گشته اند تا مدافعان آزادی و برابری را به همبستگی فراخوانند.

دعوت از مدافعان حقوق زن، گروه ها و شبکه های زنان برای همبستگی با زنان ایران

ما برای پایان دادن به خشونت و سرکوب در ایران، آزادی فوری بازداشت شدگان از همه مدافعان حقوق زنان، سازمان های دفاع از حقوق زن و فمینیست های جهان دعوت می کنیم درهمبستگی با مبارزات حق طلبانه زنان در سراسر دنیا در حمایت از جنبش زنان و جنبش حقوق مدنی در ایران وارد عمل شوند و در ماه مارس 2010 در سراسر جهان اقدامات حمایتی و اعتراضی را تحت شعار " آزادی و برابری جنسیتی در ایران" سازمان دهند.

پیام همبستگی به سمینار سراسری زنان در اشتوتگارت

با گرم ترین و صمیمانه ترین درودها به شرکت کنندگان در سمینار سراسری سالانه تشکلهای مستقل زنان و زنان دگر - و همجنسگرای ایرانی در آلمان.

با آرزوی برگزاری سمیناری موفق در جهت طرح و پیشبرد مطالبات به حق و تاریخی زنان برای کسب برابر حقوقی در تمامی زمینه های جنسی، فرهنگی، سیاسی و اجتماعی.

“همگامی کانون ها و نهادهای ایرانی در پشتیبانی از مبارزات مردم ایران” و “نه به جمهوری اسلامی” در اروپا ضمن حمایت و پشتیبانی از گردهمایی شما، بر این باور است که عملکرد رژیم جمهوری اسلامی در ۳۱ سال گذشته بیان کننده این واقعیت است که پیش شرط تحقق خواسته های اولیه زنان برای رسیدن به برابر حقوقی اجتماعی جنسی در جامعه ایران، برچیده شدن مناسبات ضد انسانی، زن و آزادی ستیز جمهوری اسلامی در تمامیت آن می باشد.

ما کانون ها و نهادهای شهری در اروپا در پشتیبانی از مبارزات مردم ایران و در «نه به جمهوری اسلامی» خود را در کنار شما می دانیم و یکی از محوری ترین خواسته های مان دست یابی به امر برابر حقوقی جنسی میان زنان و مردان در جامعه است. ما برای تحقق این امر مهم در تمامی سطوح فعالیت می کنیم و خود را همراه و در کنار شما می بینیم.

زنده باد آزادی و برابر حقوقی جنسی، فرهنگی، سیاسی و اجتماعی.

زنده باد همبستگی تمامی نیروهای آزادی خواه و آینده نگر در پشتیبانی از مبارزات زنان ایران برای رسیدن به مناسباتی انسانی و برابر حقوق

همگامی کانون ها و نهاد های شهری در اروپا در پشتیبانی از مبارزات مردم ایران و
نه به جمهوری اسلامی

۵ فوریه ۲۰۱۰

**پیشنهادهای و مطالبات کمپاین
50% زنان افغانستان به کنفرانس**

بین المللی افغانستان در لندن

افغانستان 16 جنوري 2010

همه ما افغانستان را می شناسیم. همه ما نیک می دانیم که در طول سالیان بسیار چه بر سر زنان این سرزمین زیر نام طالبان، جنگ، آواره گی و خشونت آمده است. از گذشته سخن نمی گوئیم چرا که امروز موسم دیگری است و ما زنان افغانستان دیگر نمی خواهیم به هیچ بهانه ای حقوق اولیه و انسانی خویش را از دست بدهیم. ما دیگر نمی خواهیم حق انتخاب سرنوشتمان را به دیگری واگذاریم.

در طی دومین انتخابات ریاست جمهوری افغانستان ما زنان در کمپاین 50% مطالبات و خواسته های خود را به طور واضح و شفاف به اطلاع جامعه و کاندیداهای ریاست جمهوری رساندیم. امروز به نمایندگان دولت افغانستان و جامعه بین المللی شرکت کننده در کنفرانس لندن که به وضعیت افغانستان می اندیشند و در صدد یافتن راه حل هایی برای آن هستند اعلام می داریم که ما زنان توقع داریم که به تعهدات خود در برابر شهروندان زن این کشور پایبند بوده و عزم راستین خود را برای پرداختن به این خواسته ها نشان دهند.

کمپاین 50% زنان افغانستان در سال 1388 (2009) و با شرکت 70 تن از فعالان اجتماعی و مدنی و حمایت سازمان های مختلف از جمله بنیاد آرمان شهر، اتحادیه سراسری زنان افغانستان و کمیته مشارکت سیاسی زنان افغانستان گردهم آمد و تا کنون از حمایت و همصدایی بیش از 10000 زن و مرد آگاه و راسخ در مناطق مختلف کشور بهره برده است. ما به عنوان نمایندگان نیمی از جمعیت کشور مطالبات زیر را اعلام می داریم:

از دولت افغانستان

1. هر نوع مذاکره غیر شفاف با مخالفان مسلح دولت که در آنها ذره ای از حقوق انسانی ما که سالهای بسیار و در مواجهه با خطرات بزرگ برای به دست آوردن آنها مبارزه کرده ایم، نادیده گرفته شود از حمایت ما زنان برخوردار نخواهد بود.

2. رشد و توسعه همه جانبه کشور بدون مشارکت زنان، تحقق نخواهد یافت. مشارکت سیاسی زنان در مقامات تصمیم گیری از سطوح محلی تا ملی، منطقه ای و بین المللی در همه عرصه ها باید به معنای تمام

کلمه و نه سمبلیک و با استفاده از تمام توانمندیها، استعدادها و شایستگی های زنان صورت بگیرد.

3. بیسوادی یکی از بزرگترین موانع پیشرفت و به ثمر رسیدن فعالیت ها در زمینه توسعه پایدار و بهبود اوضاع اجتماعی و اقتصادی شهروندان این کشور و مانع مشارکت فعال آنان در زندگی سیاسی است. لذا از دولت می خواهیم که اعلان بسیج عمومی مبارزه با بی سوادی را با اختصاص بودجه های مکفی و استفاده بهینه از ظرفیت انسانی کشور در صدر اولویت های خویش برای 5 سال آینده قرار داده و به ارتقا کمیت و کیفیت مراکز آموزشی برای جامعه و علی الخصوص دختران و زنان همت گمارد.

4. تهیه و تدوین برنامه ملی با همکاری جامعه مدنی برای ایجاد کمیسیون های حقیقت یاب و دادخواهی در سطح کشور و برنامه ریزی برای دادخواهی از قربانیان (پرداخت غرامت و به رسمیت شناختن صدمات وارده بر قربانیان)

5. ایجاد کمیسیون ملی با صلاحیت و خوشنام با قدرت اجرایی در راستای پیاده کردن برنامه ملی عدالت انتقالی و عملی شدن برنامه دولت برای صلح، آشتی و عدالت در افغانستان

6. لازمه تامین امنیت اجتماعی و اقتصادی جامعه و پرهیز و رفع خشونت علیه زنان، تامین امنیت حقوقی و قانونی زنان و تلاش در جهت رفع قوانین تبعیض آمیز و تقویت قوه قضاییه عادل است.

7. جنگ ها، مهاجرت ها و بلایای طبیعی باعث به جاماندن میلیونها کودک بی سرپرست و زن بیوه در این سرزمین شده است که خود سرپرستی خانواده خود را بر عهده دارند. تلاش در جهت ایجاد فرصت های اشتغال و همیاری برای زنان سرپرست خانوار و معلولین و معیوبین باید در صدر برنامه های اقتصادی و اجتماعی دولت قرار بگیرد.

8. سلامت مادر، تضمین کننده سلامت کودک و جامعه است. باید اقدامات ویژه ای به منظور بهبود دسترسی مادران به امکانات صحتی و بهداشتی انجام شود.

از جامعه بین المللی و شرکت کننده گان در کنفرانس بین المللی

1. عدم حمایت از مذاکرات غیرشفاف با نیروهای مسلح و جنگجو که بیم آن می رود حقوق انسانی زنان دوباره به مسلخ کشانیده شود.

9. مسئولیت پذیری و پایبندی به فواین بین المللی نظامی و جلوگیری از کشتار افراد غیر نظامی که بیشترین قربانی را از میان زنان و کودکان می گیرد و ایجاد شفافیت در مورد چارچوب قانونی عملیات نیروهای ائتلاف

10. جامعه بین المللی باید دوباره به اجرای کامل برنامه عمل دولت برای صلح، آشتی و عدالت متعهد شود، از جمله اقدام هماهنگ برای معنادار و مثمر تمرکزدن مورد مشورتی به عمل آورد.

11. تشخیص وجود ارتباط بین معافیت از پیگرد قانونی و نقض پیوسته حقوق بشر، که کوشش برای کاهش فقر و دست یافتن به توسعه عادلانه و پایدار اجتماعی و اقتصادی و ایجاد فضای آزاد سیاسی را تضعیف می کند.

2. حمایت از ایجاد تغییرات بنیادین در بهبود زندگی زنان از طریق به وجود آوردن زمینه های اشتغال، خودکفایی و استقلال اقتصادی آنان.

3. تاکید و حمایت از طرح های مبارزه با بیسوادی.

4. حمایت از برنامه ها و طرح های حساس به جندر.

5. رشد و توسعه افغانستان با در نظر داشت عدالت اجتماعی، تامین حقوق بشر و دموکراسی امکان پذیر خواهد بود. فلذا ما جامعه بین المللی را به حمایت همه جانبه از حقوق زنان در تمامی عرصه ها فرا می خوانیم.

لیست سازمان های حامی کمپاین 50%

اتحادیه سراسری زنان افغانستان، کمیته مشارکت سیاسی زنان افغانستان، بیناد آرمان شهر، مرکز آموزش حقوق بشر برای زنان، مجتمع جامعه مدنی افغانستان، نهاد همبستگی برای عدالت، نشریه دنیای زن، روزنامه 8 صبح، موسسه زن امروز افغان، مرکز مطالعات اجتماعی - فرهنگی آسیا، موسسه سلام، مرکز جوانان کابل، موسسه حمایت از زنان بی بضاعت افغانستان، موسسه نوا، روزنه صلح برای زنان افغانستان، زنان افغان به سوی انکشاف، نشریه سروش ملت.

آدرس های تماس با کمپاین 50%

www.campaign50darsad.blogfa.com

Campaign50darsad@gmail.com